



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

WSJ

تبدیل ایران به اصلی‌ترین تهدید انتخابات آمریکا

ماه ژوئیه مقام‌های اطلاعاتی آمریکا در یک جلسه نادر توجیه خبرنگاران در مورد تهدیدهای خارجی برای انتخابات آمریکا تصریح کردند که مانند دوره گذشته، روسیه «برجسته‌ترین تهدید» برای انتخابات نوامبر آمریکا است. بر اساس گفته این مقام‌ها، ایران تهدید ضعیف‌تری است که به عنوان عامل هرج و مرج سعی می‌کند به تنش‌های اجتماعی در آمریکا دامن بزند. یک هفته بعد، مقام‌های اطلاعاتی یک نشست دیگر برگزار کردند و پیام متفاوتی ارائه دادند. ارزیابی آنها از رفتار ایران تغییر کرده بود. آنها گفتند که ایران فقط به دنبال ایجاد هرج و مرج نیست، بلکه تلاش می‌کند به نامزدی ترامپ آسیب بزند، همانطور که چهار سال پیش دست و پاکنسته تلاش کرده بودند. به گفته این مقام‌ها ایران در عین حال تلاش می‌کند تا آمریکایی‌ها را مستقیماً وارد عملیات نفوذ کند و حتی به اعتراض‌های غزه در پردیس‌های دانشگاهی کمک مالی کرده است و در عین حال بر «شبکه گسترده‌ای از شخصیت‌های آنلاین و دستگاه‌های پروپاگاندا برای انتشار اخبار جعلی» تکیه می‌کند. حالا به نظر می‌رسد که تهدید ایران برای انتخابات خیلی شدیدتر شده است، هرچند خیلی پیچیده نیست. روز شنبه کارزار انتخاباتی ترامپ اعلام کرد که کامپیوترهایش توسط «مراجع خارجی دشمن ایالات متحده» هک شده است. مقام‌های کارزار ترامپ ایران را مسئول این اقدام توصیف کردند. یک منبع خبری بدون نام که خودش را رابرت معرفی می‌کرد، فایل‌های مسروقه از کمپین ترامپ را به چندین سازمان رسانه‌ای در آمریکا درز داده بود و امیدوار بود که این مطالب منتشر شوند. به گفته دو مقام دولت آمریکا، کاخ سفید از این برنامه هک و درز اطلاعات خبر نداشت و آن را از گزارش روز شنبه پولیتیکو خبردار شد. دولت آمریکا هنوز در خصوص مسئولیت این اقدام توضیحی ارائه نداده است. افبی‌ای تنها گفته است که از گزارش‌های منتشرشده با خبر است و نمی‌تواند توضیح بیشتری بدهد. به گفته مقام‌های پیشین و کارشناسان امنیتی اخبار مرتبط با هک کامپیوترها و تلاش برای پاکسازی اطلاعات مسروقه از طریق ارائه مطالب تقطیع شده به رسانه‌ها، اگر تایید شود که کار هک‌های مرتبط با ایران است، می‌تواند نشانه‌ای از تعهد عمیق دشمن آمریکا برای مداخله در انتخابات ۲۰۲۴ باشد. این گزارش یک روز بعد از آن منتشر شد که مایکروسافت از تلاش‌های ایران برای هدف قرار دادن انتخابات از جمله تلاش برای هک رایانه‌های یک کارزار نامزد بدون نام انتخابات در ماه ژوئن خبر داده بود.

در دوره انتخاباتی که همین حالا هم به دلیل سوءتفاهم نافر جام به جان ترامپ و کناره‌گیری دیر هنگام جو بایدن از نامزدی برای انتخاب مجدد به تلاطم افتاده است، ایران هم با تبدیل شدن به فعال‌ترین و جدی‌ترین دشمن خارجی که تلاش می‌کند انتخابات را مختل کند، به غافلگیری‌هایی اضافه شده است. مقام‌های آمریکایی پیش از این محافظت امنیتی از ماک پمپو، وزیر خارجه پیشین و مقام‌های دیگر را تشدید کرده بودند، چراکه نگران بودند ایران تلاش کند این افراد را در تلافی ترور قاسم سلیمانی، ژنرال ایرانی، به قتل برساند. همچنان اینگونه تصور می‌شود که کرملین نسبت به تهران در پروپاگاندا پنهانکارانه ماهرتر است و منابع و توانایی‌های فنی بیشتری دارد. مقام‌های اطلاعاتی در جلسه ماه ژوئیه گفتند که روسیه سعی می‌کند یک کارزار آژوگداری با حضور تمام نهادهای دولتی در انتخابات آمریکا راه بیاندازد که هدف آن تلاش برای تحریک رای‌دهندگان علیه حمایت از حزب دموکرات و رای به دونالد ترامپ بود. محاسبات کرملین عمدتاً بر این اساس است که دموکرات‌ها همچنان به کمک به اوکراین ادامه می‌دهند. اما تاکنون ایران، به‌رغم گرفتاری در منازعه‌ای که می‌تواند خاورمیانه را وارد جنگ کند، نشان داده است که بیشتر علاقه‌مند است تا انتخابات را مختل کند. کارشناسان امنیت سایبری و مقام‌های پیشین آمریکا می‌گویند که ایران، البته خامدستانه، تلاش می‌کند تا توفیق روسیه را در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا تکرار کند.



AFP/کنس

نظر
خواهی

اجتناب اعراب از تنش

دولت‌های عربی خواهان مهار تنش و توقف جنگ در منطقه هستند

آمریکا به عنوان نزدیک‌ترین متحد اسرائیل، در صورت وقوع جنگ میان ایران و اسرائیل حمایت نظامی خود را از اسرائیل برای مقابله با حملات ایران افزایش خواهد داد. آمریکایی‌ها پایگاه‌های نظامی متعددی در منطقه دارند که اغلب آنها در کشورهای عربی واقع شده‌اند و در صورت ورود آمریکا به جنگ برای مقابله با حملات ایران از استعداد نظامی موجود در این پایگاه‌ها برای دفع حملات ایران استفاده خواهد شد. استفاده از پایگاه‌های آمریکا در قطر، بحرین، کویت، عربستان سعودی و عراق برای مقابله با حملات ایران، این ریسک را افزایش می‌دهد که ایران برای تلافی به خاک این کشورهای عربی حمله کند.

بسیاری از کشورهای عربی منطقه بعد از دو دهه تنش و بحران در منطقه، از زمان اشغال عراق توسط آمریکا و پس از آنها خیزش‌های موسوم به بهار عربی در منطقه، تلاش‌های خود را برای بازگشت ثبات و استفاده از آرامش نسبی در منطقه برای توسعه اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی آغاز کرده‌اند. کشورهایمانند امارات متحده عربی، عربستان سعودی و قطر، به شدت از تنش در منطقه اجتناب می‌کنند، چراکه احساس می‌کنند هرگونه تنش می‌تواند شتاب رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری توسط آنها را متوقف کند. مصر، اردن و عراق هم هرچند دیرتر سوار قطار بازسازی اقتصادی شده‌اند، اما مانند کشورهای جنوب خلیج فارس از آرامش در منطقه استقبال می‌کنند و خواهان گسترش تنش و درگیری نیستند. این رویکرد کشورهای عربی در فرآیند آشتی عربستان سعودی با ایران و بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و از سرگیری روابط دیپلماتیک کشورهای عربی با سوریه مشخص بود. جنگ ایران و اسرائیل می‌تواند یک کابوس برای اعراب باشد که بار دیگر منطقه را به دوران تنش باز می‌گرداند و زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی را محدود می‌کند.

از سوی دیگر کشورهای عربی باید پاسخگوی افکار عمومی خود هم باشند. در شرایطی که همدردی با مردم غزه و نفرت از جنایات اسرائیل در سراسر جهان فراگیر شده است، در کشورهای عربی این احساسات ضداسرائیلی صدچندان است. در عین حال در برخی کشورهای عربی احساسات ضدایرانی هم همچنان قدرتمند است. کشورهای عربی راهی جز این ندارند که در صورت وقوع یک جنگ موضع بی‌طرفانه اتخاذ کنند، اما در چارچوب این بی‌طرفی مجبور خواهند بود به افکار عمومی خود پاسخگو باشند.

ریاض مخالف گسترش درگیری است

داوود غریبای زندگی

استاد سیاست خارجی و روابط بین‌الملل



۱- عربستان هیچ تمایلی ندارد که جنگ فراگیر در منطقه درگیرد. این موضع ریاض مربوط به جریان‌های اخیر نیست و حتی در دهه‌های گذشته چه در دوران جنگ اعراب و اسرائیل و چه جنگ خلیج فارس، تلاش می‌کرد تا از مداخله خودداری کند و تمایل داشت که منطقه آرامش بیشتری داشته‌باشد. عربستان یکی از ستون‌های حفظ وضعیت موجود در منطقه است.

۲- عربستان کشوری است که در ابتکار عمل‌های مربوط به صلح چیره‌دست است. ریاض ابتکارهای خوبی ارائه می‌دهد، طراحی‌های خوبی ایجاد می‌کند و این ابتکارها را حمایت و پیگیری می‌کند.

۳- به‌رغم دیدگاهی که عمدتاً در خاورمیانه وجود دارد که اگر ایران و اسرائیل به عنوان دو دشمن اصلی اعراب با یکدیگر درگیر شوند، به نفع جهان عرب است، ریاض از چنین دیدگاهی پیروی نمی‌کند و تصور می‌کند که با توجه به سرمایه‌گذاری‌هایی که برای توسعه کشور انجام داده است، بروز هر جنگی، حتی بین دشمنان و رقبای اصلی‌اش در منطقه، هزینه‌های عربستان سعودی را افزایش می‌دهد و جدابیت‌های سرمایه‌گذاری را در این کشور از بین می‌برد. عربستان سعودی هم در جنگ ۱۹۶۲ یمن که با جمال عبدالناصر وارد نبرد شد و هم در جنگ اخیر که با یمن داشت و هنوز هم به‌رغم آتش‌بس پایانه بلنمدت به نحوی ترکش‌های آن در منطقه همچنان به اهداف مختلفی می‌کند، تجربه بزرگی را پشت سر گذاشت که این جنگ‌ها منطقه را ناامن می‌کنند. تجربه عملی عربستان نشان داد که این جنگ‌ها نه به نفع عربستان است و نه به نفع شرکای تجاری و اقتصادی اصلی ریاض، از جمله چین. محمد بن سلمان با کسب تجربه به این نتیجه رسیده است که درگیری‌های نظامی در برابر رسیدن به اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ مانع ایجاد می‌کند. ریاض به این درک رسیده است که درگیری و تنش در این سطح، پس از جریان بهار عربی، بار دیگر تمام منطقه را گرفتار تنش می‌کند و کل منطقه دچار مشکلاتی شود که به‌سادگی قابل مدیریت و مهار نباشد. بعد از یک دور تنش و بحران دو دهه‌ای در منطقه که با اشغال عراق شروع شد و پس از آن با بهار عربی ادامه یافت، منطقه نیاز به فرصتی دارد تا خود را بازسازی کند.

۴- عربستان در چارچوب پیمان ابراهیم و مذاکرات با ایالات متحده آمریکا، در مراحل پایانی مذاکره برای رسیدن به یک توافق یا نقشه راهی بود که روابطش را با اسرائیل عادی‌سازی کند. دیدگاه ریاض این بود که